

بررسی سازه‌های روان‌شناختی تعیین‌کننده پایداری رابطه در زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده

مشخصات نویسندگان:



۱۴۰۳ ©

تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

۱. رودابه هوشمندی*: استادیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم و فناوری های پزشکی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Roodabeh.hshmd64@gmail.com

شبهه استناددهی: هوشمندی، رودابه. (۱۴۰۳). بررسی سازه‌های روان‌شناختی تعیین‌کننده پایداری رابطه در زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده. *سنجش، ارزیابی و مداخلات زوج‌درمانی*, ۱(۱), ۱-۱۳.

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش سازه‌های روان‌شناختی در پیش‌بینی پایداری رابطه زناشویی در زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده شهر تهران بود. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود که بر روی ۳۸۰ زوج تازه‌ازدواج‌کرده ساکن تهران انجام شد. نمونه به روش در دسترس از مراکز مشاوره خانواده انتخاب گردید. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه پایداری رابطه، رضایت زناشویی، کیفیت ارتباط زوجین، تنظیم هیجان، خودکارآمدی زناشویی، دلبستگی ایمن و حمایت ادراک‌شده بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند. نتایج نشان داد که رضایت زناشویی، کیفیت ارتباط، خودکارآمدی زناشویی، تنظیم هیجان، دلبستگی ایمن و حمایت ادراک‌شده به‌طور معناداری پایداری رابطه را پیش‌بینی می‌کنند و رضایت زناشویی قوی‌ترین اثر مستقیم را بر پایداری رابطه دارد ($p < 0.001$). شاخص‌های برازش، کفایت مدل تبیینی را تأیید نمودند. یافته‌ها نشان می‌دهد که پایداری رابطه زناشویی در سال‌های آغازین ازدواج حاصل تعامل همزمان سازه‌های هیجانی، شناختی و ارتباطی است و مداخلات زوج‌درمانی باید به‌صورت چندبعدی طراحی شوند.

واژگان کلیدی: پایداری رابطه زناشویی، زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده، رضایت زناشویی، کیفیت ارتباط، تنظیم هیجان، خودکارآمدی زناشویی

Psychological Determinants of Relationship Stability in Newly Married Couples



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0 License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).

Authors' Information:

1. Roodabeh Hooshmandi*: Assistant Professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of Medical Sciences and Technologies, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Corresponding author's email: Roodabeh.hshmd64@gmail.com

How to cite: Hooshmandi, R. (2024). Psychological Determinants of Relationship Stability in Newly Married Couples. *Couple Therapy Assessment, Evaluation, and Intervention*, 1(1), 1-13.

Abstract

This study aimed to examine the psychological predictors of relationship stability among newly married couples in Tehran. This descriptive–correlational study employed structural equation modeling and was conducted on 380 newly married couples recruited from family counseling centers in Tehran through convenience sampling. Instruments included measures of relationship stability, marital satisfaction, communication quality, emotion regulation, marital self-efficacy, secure attachment, and perceived support. Data were analyzed using confirmatory factor analysis and structural equation modeling. Results indicated that marital satisfaction, communication quality, marital self-efficacy, emotion regulation, secure attachment, and perceived support significantly predicted relationship stability, with marital satisfaction demonstrating the strongest direct effect on relationship stability ($p < 0.001$). Model fit indices confirmed the adequacy of the proposed model. Relationship stability in early marriage emerges from the dynamic interaction of emotional, cognitive, and relational factors, underscoring the necessity of multidimensional couple-based interventions.

Keywords: *Relationship stability, newly married couples, marital satisfaction, communication quality, emotion regulation, marital self-efficacy*

ازدواج یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی و روان‌شناختی در جوامع انسانی محسوب می‌شود و پایداری رابطه زناشویی نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت فردی، انسجام خانواده و ثبات اجتماعی ایفا می‌کند. پژوهش‌های بین‌المللی به‌طور گسترده نشان داده‌اند که کیفیت و دوام رابطه زوجین نه تنها پیامدهای روان‌شناختی مستقیمی برای همسران دارد، بلکه با شاخص‌های گسترده‌تری از سلامت اجتماعی و رفاه عمومی نیز پیوند خورده است (Gabriel et al., 2024; Mukashema et al., 2019). در این میان، دوره سال‌های ابتدایی ازدواج، به‌ویژه پنج سال نخست زندگی مشترک، حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین مرحله در مسیر تثبیت یا تضعیف پیوند زناشویی محسوب می‌شود؛ مرحله‌ای که در آن بسیاری از الگوهای تعاملی، انتظارات هیجانی، سبک‌های حل تعارض و ساختارهای شناختی زوجین شکل نهایی خود را می‌یابد (Bahtiar et al., 2023; Olanrewaju & Emeka, 2019). شواهد تجربی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از ناراضی‌های مزمن زناشویی و گسست‌های عاطفی ریشه در ناهماهنگی‌ها و ناکامی‌هایی دارد که در همین دوره آغازین تثبیت می‌شوند (Losy & Sinitsaru, 2022; Szukalski, 2021).

پایداری رابطه مفهومی چندبعدی است که شامل مؤلفه‌هایی نظیر تعهد بلندمدت، رضایت زناشویی، ثبات هیجانی، تاب‌آوری زوجین در برابر فشارهای بیرونی و تمایل پایدار به تداوم زندگی مشترک می‌شود (Gabriel et al., 2024). در پژوهش‌های معاصر، پایداری رابطه دیگر صرفاً به معنای دوام حقوقی ازدواج تلقی نمی‌شود، بلکه کیفیت روان‌شناختی پیوند زوجین، احساس امنیت عاطفی، سطح اعتماد و میزان همسویی اهداف و ارزش‌ها نیز در تعریف آن نقش مرکزی دارند (Boulis & Torgler, 2023; Nadezhina, 2024). مطالعات فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهد که حتی در جوامعی که طلاق رسمی کمتر رخ می‌دهد، شکل‌های پنهان ناپایداری مانند طلاق عاطفی، سردی رابطه و فرسایش هیجانی به‌طور گسترده مشاهده می‌شود (Latifa, 2019; Mukashema et al., 2019). از این‌رو، تمرکز پژوهش‌های نوین از «بقای ازدواج» به «پایداری روان‌شناختی رابطه» تغییر یافته است.

یکی از مهم‌ترین محورهای مطالعات اخیر، نقش سازه‌های روان‌شناختی در شکل‌گیری و تثبیت پایداری رابطه است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تنظیم هیجان، رضایت زناشویی، خودکارآمدی زناشویی و صمیمیت هیجانی از قوی‌ترین پیش‌بین‌های ثبات رابطه هستند (Alizadeh et al., 2024; Bagheri et al., 2024). تنظیم هیجان به‌عنوان توانایی مدیریت و تعدیل واکنش‌های هیجانی در موقعیت‌های تنش‌زا، نقش کلیدی در کاهش تعارضات و حفظ تعادل عاطفی زوجین دارد (Bagheri et al., 2024). هم‌زمان، خودکارآمدی زناشویی به زوجین احساس توانمندی در مدیریت مشکلات رابطه می‌دهد و به‌طور مستقیم با افزایش رضایت و پایداری رابطه مرتبط است (Alizadeh et al., 2024; Lenhausen et al., 2020). در کنار این عوامل فردی، کیفیت تعاملات ارتباطی نیز یکی از بنیان‌های اساسی دوام رابطه محسوب می‌شود (Nurfadliyah & Maryam, 2024; Siahaan & Wulan, 2024).

ارتباط بین فردی مؤثر، بستری برای شکل‌گیری اعتماد، درک متقابل و همدلی در زوجین فراهم می‌کند و مستقیماً سطح تعهد رابطه‌ای را تقویت می‌نماید (Siahaan & Wulan, 2024). مهارت‌های ارتباطی ناکارآمد از سوی دیگر با افزایش سوءتفاهم، تشدید تعارضات و کاهش رضایت زناشویی همراه است (Nurfadliyah & Maryam, 2024). یافته‌های تطبیقی در فرهنگ‌های مختلف نشان می‌دهد که این الگوها از ثبات نسبی برخوردارند و مستقل از تفاوت‌های فرهنگی، نقش محوری ارتباط در پایداری رابطه حفظ می‌شود (Boulis & Torgler, 2019; Mukashema et al., 2023). علاوه بر آن، ابعاد قدرت و مدیریت منابع درون خانواده، به‌ویژه مدیریت مالی و توزیع قدرت تصمیم‌گیری، نیز در مطالعات اخیر به‌عنوان سازه‌های کلیدی پایداری معرفی شده‌اند (LeBaron-Black et al., 2024).

در سطح عمیق‌تر، سبک دلبستگی و اعتماد بین‌فردی بنیان روان‌شناختی روابط پایدار را تشکیل می‌دهند. زوج‌هایی که از دلبستگی ایمن برخوردارند، در مواجهه با تعارضات انعطاف‌پذیرتر بوده و سطح بالاتری از اعتماد، صمیمیت و همکاری را تجربه می‌کنند (Bijani et al., 2024; Nadezhina, 2024). اعتماد بین‌فردی نه‌تنها احساس امنیت عاطفی را تقویت می‌کند بلکه به‌عنوان ارزش اجتماعی، چارچوب هنجاری تعاملات زوجین را نیز سامان می‌دهد (Nadezhina, 2024). پژوهش‌های بین‌نسلی نشان داده‌اند که الگوهای دلبستگی و اعتماد در سال‌های ابتدایی ازدواج به‌سرعت تثبیت شده و مسیر بلندمدت رابطه را شکل می‌دهند (Lenhausen et al., 2020; Losy & Sinitaru, 2022).

در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران به بررسی پویایی‌های پیچیده رابطه با بهره‌گیری از مدل‌های سیستم‌های پویا افزایش یافته است. این رویکردها نشان می‌دهند که رابطه زناشویی یک سامانه تعاملی غیرخطی است که از برهم‌کنش مستمر مؤلفه‌های هیجانی، شناختی و رفتاری شکل می‌گیرد (Fang et al., 2023; Kafraj et al., 2022). الگوهای تعامل زوجین در طول زمان به‌صورت چرخه‌های بازخوردی تقویت یا تضعیف می‌شوند و حتی تغییرات کوچک در یکی از مؤلفه‌ها می‌تواند مسیر کلی پایداری رابطه را به‌طور معنادار تغییر دهد (Fang et al., 2023; Takamido et al., 2023). چنین دیدگاهی ضرورت تحلیل شبکه‌ای و مدل‌های تبیینی چندسازه‌ای را برای فهم دقیق پایداری رابطه برجسته می‌سازد.

با وجود حجم گسترده پژوهش‌های بین‌المللی، مطالعات متمرکز بر زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده در بافت فرهنگی و اجتماعی ایران هنوز محدود و پراکنده است. در حالی که تحولات اجتماعی، تغییر الگوهای نقش‌های جنسیتی، فشارهای اقتصادی و تحولات سبک زندگی شهری ساختار روابط زناشویی در ایران را به‌طور چشمگیری دگرگون کرده است (Akmad & Abatayo, 2024; Xu et al., 2024). بررسی زوج‌های ساکن کلان‌شهر تهران به‌دلیل تنوع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن، می‌تواند تصویری نسبتاً جامع از چالش‌ها و ظرفیت‌های پایداری رابطه در جامعه معاصر ایران ارائه دهد (Akmad & Abatayo, 2024). علاوه بر این، تعامل خانواده‌های گسترده و نقش خویشاوندان همسر در سازگاری زناشویی نیز در بافت‌های آسیایی و خاورمیانه‌ای اهمیت ویژه‌ای دارد (Jeon, 2020; Kunitsina & Yumkina, 2023).

جمع‌بندی شواهد نظری و تجربی نشان می‌دهد که پایداری رابطه نتیجه هم‌افزایی مجموعه‌ای از سازه‌های روان‌شناختی شامل تنظیم هیجان، رضایت زناشویی، کیفیت ارتباط، دلبستگی ایمن، اعتماد، خودکارآمدی زناشویی، سبک‌های تعاملی و ساختار قدرت در رابطه است (Alizadeh

et al., 2024; Bagheri et al., 2024; Fang et al., 2023; LeBaron-Black et al., 2024; Nurfadliyah & Maryam, 2024). با این حال، الگوی دقیق روابط این سازه‌ها به‌ویژه در سال‌های ابتدایی ازدواج و در بستر فرهنگی ایران هنوز به‌صورت یکپارچه و تجربی مورد بررسی قرار نگرفته است.

هدف این پژوهش، بررسی جامع سازه‌های روان‌شناختی تعیین‌کننده پایداری رابطه در زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده شهر تهران و ارائه یک مدل تبیینی منسجم از روابط بین این متغیرهاست.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی با رویکرد مدل‌یابی تبیینی انجام شد. طرح پژوهش به‌صورت مقطعی اجرا گردید و جامعه آماری شامل کلیه زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده ساکن شهر تهران بود که حداکثر از تاریخ ازدواج آن‌ها پنج سال گذشته و در زمان اجرای پژوهش به مراکز مشاوره خانواده، کلینیک‌های روان‌شناسی و مراکز خدمات ازدواج در مناطق مختلف شهر تهران مراجعه می‌کردند. نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند انتخاب شد، به‌گونه‌ای که پس از هماهنگی با مراکز مذکور و دریافت مجوزهای لازم، زوج‌هایی که شرایط ورود به مطالعه را داشتند، به مشارکت دعوت شدند. ملاک‌های ورود شامل رضایت آگاهانه هر دو همسر برای شرکت در پژوهش، سکونت در تهران، نداشتن تشخیص اختلالات شدید روان‌پزشکی و سپری شدن حداقل شش ماه و حداکثر پنج سال از زمان ازدواج بود. ملاک‌های خروج شامل عدم تکمیل کامل پرسشنامه‌ها یا انصراف در هر مرحله از پژوهش در نظر گرفته شد. در نهایت، تعداد ۳۸۰ زوج (۷۶۰ نفر) به‌عنوان نمونه نهایی وارد تحلیل شدند که این حجم نمونه با توجه به ماهیت مدل‌یابی معادلات ساختاری و نسبت مطلوب حجم نمونه به متغیرهای پنهان انتخاب گردید. گردآوری داده‌ها طی یک دوره چهارماهه انجام شد و تمامی شرکت‌کنندگان پیش از ورود به مطالعه، فرم رضایت‌نامه آگاهانه را تکمیل نمودند و اطمینان کامل از محرمانگی اطلاعات به آنان داده شد.

برای گردآوری داده‌ها از مجموعه‌ای از ابزارهای استاندارد و معتبر در حوزه روان‌شناسی خانواده استفاده شد که هر یک از سازه‌های کلیدی پژوهش را مورد سنجش قرار می‌دادند. پایداری رابطه زناشویی به‌عنوان متغیر ملاک با استفاده از مقیاس پایداری رابطه که ابعاد تعهد، رضایت بلندمدت، تمایل به تداوم رابطه و تاب‌آوری زناشویی را در بر می‌گیرد، اندازه‌گیری شد. سازه‌های روان‌شناختی پیش‌بین شامل دل‌بستگی بزرگسالان، تنظیم هیجان، کیفیت ارتباط زوجین، حمایت ادراک‌شده، رضایت زناشویی، سبک‌های حل تعارض و خودکارآمدی زناشویی بودند که هر یک با پرسشنامه‌های معتبر دارای نسخه فارسی استاندارد شده ارزیابی گردیدند. علاوه بر این، برای کنترل متغیرهای جمعیت‌شناختی، پرسشنامه‌ای شامل سن، سطح تحصیلات، مدت زمان ازدواج، تعداد فرزندان، وضعیت اشتغال و سطح درآمد خانواده طراحی و اجرا شد. تمامی ابزارها از پایایی و روایی مطلوب در مطالعات پیشین برخوردار بوده و در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ برای هر مقیاس مجدداً محاسبه و تأیید شد. فرایند جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت حضوری و در فضای آرام مراکز مشاوره انجام شد و پژوهشگران ضمن توضیح اهداف مطالعه، راهنمایی لازم برای تکمیل صحیح پرسشنامه‌ها را در اختیار شرکت‌کنندگان قرار دادند.

داده‌های گردآوری‌شده پس از بررسی اولیه از نظر نواقص، داده‌های پرت و توزیع نرمال وارد فرایند تحلیل شدند. تحلیل آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام گرفت. در بخش توصیفی، شاخص‌هایی نظیر میانگین، انحراف معیار، دامنه تغییرات و ضرایب همبستگی برای متغیرهای اصلی محاسبه شد. در بخش استنباطی، به‌منظور آزمون الگوی مفهومی پژوهش و بررسی روابط علی میان سازه‌های روان‌شناختی و پایداری رابطه، از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده گردید. ابتدا مدل اندازه‌گیری از طریق تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد و سپس مدل ساختاری برای آزمون مسیرهای پیش‌بینی‌کننده اجرا گردید. شاخص‌های برازندگی از جمله نسبت کای‌دو به درجه آزادی، شاخص برازش تطبیقی، شاخص نیکویی برازش و ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب برای ارزیابی کفایت مدل مورد استفاده قرار گرفتند. همچنین اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کلی سازه‌ها بر پایداری رابطه محاسبه شد و نقش متغیرهای میانجی مورد آزمون قرار گرفت. کلیه تحلیل‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای تخصصی آماری انجام شد و سطح معناداری آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. این رویکرد تحلیلی امکان تبیین جامع ساختار روان‌شناختی پایداری رابطه در زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده را فراهم ساخت.

یافته‌ها

در این بخش، نتایج حاصل از تحلیل داده‌های مربوط به ۳۸۰ زوج تازه‌ازدواج‌کرده ساکن شهر تهران ارائه می‌شود. ابتدا ویژگی‌های توصیفی نمونه مورد بررسی قرار گرفت، سپس روابط همبستگی بین متغیرهای پژوهش گزارش شد و در نهایت نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری برای آزمون مدل تبیینی پایداری رابطه زناشویی ارائه گردید. جدول ۱ به توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و آماری متغیرهای اصلی پژوهش اختصاص دارد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
سن همسران (سال)	۳۰/۴۶	۵/۲۱	۲۲	۴۶
مدت ازدواج (سال)	۲/۱۸	۱/۳۶	۰/۵	۵
پایداری رابطه زناشویی	۷۴/۳۵	۹/۲۸	۴۵	۹۲
رضایت زناشویی	۶۸/۴۲	۸/۷۵	۴۲	۸۹
کیفیت ارتباط زوجین	۷۱/۵۹	۷/۹۱	۴۶	۹۰
دلبستگی ایمن	۳/۸۱	۰/۶۴	۲/۱۰	۴/۹۰
تنظیم هیجان	۶۲/۲۷	۹/۴۳	۳۸	۸۵
حمایت ادراک‌شده	۵۹/۸۴	۸/۶۷	۳۶	۸۳
خودکارآمدی زناشویی	۶۵/۱۹	۹/۰۵	۴۰	۸۸
سبک حل تعارض سازنده	۶۷/۳۳	۸/۲۲	۴۱	۸۷

بر اساس جدول ۱، میانگین سنی زوج‌ها ۳۰/۴۶ سال و میانگین مدت ازدواج ۲/۱۸ سال بوده که نشان‌دهنده تمرکز نمونه بر زوج‌های واقعاً تازه‌ازدواج‌کرده است. متغیر پایداری رابطه با میانگین ۷۴/۳۵ و انحراف معیار ۹/۲۸ نشان می‌دهد که سطح کلی پایداری رابطه در نمونه در

محدوده نسبتاً مطلوب قرار دارد. سایر سازه‌های روان‌شناختی نیز از توزیع مناسب و پراکندگی قابل قبول برخوردار بوده و دامنه نمرات به‌گونه‌ای است که امکان تحلیل روابط بین متغیرها را به‌صورت معتبر فراهم می‌سازد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. پایداری رابطه	۱						
۲. رضایت زناشویی	۰.۷۲**	۱					
۳. کیفیت ارتباط	۰.۶۹**	۰.۷۴**	۱				
۴. دلبستگی ایمن	۰.۶۱**	۰.۵۸**	۰.۵۵**	۱			
۵. تنظیم هیجان	۰.۶۴**	۰.۶۰**	۰.۵۹**	۰.۵۳**	۱		
۶. حمایت ادراک‌شده	۰.۵۷**	۰.۵۶**	۰.۶۱**	۰.۴۸**	۰.۵۴**	۱	
۷. خودکارآمدی زناشویی	۰.۶۶**	۰.۶۲**	۰.۶۰**	۰.۵۰**	۰.۵۸**	۰.۵۵**	۱

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای روان‌شناختی مورد بررسی با پایداری رابطه زناشویی همبستگی مثبت و معنادار دارند. بالاترین همبستگی مربوط به رضایت زناشویی با ضریب ۰.۷۲ و پس از آن کیفیت ارتباط زوجین با ضریب ۰.۶۹ است که بیانگر نقش محوری این دو سازه در تثبیت رابطه زوجین می‌باشد. سایر سازه‌ها نیز همبستگی‌های متوسط تا بالا و معنادار با پایداری رابطه نشان داده‌اند که مبنای مناسبی برای ورود آن‌ها به مدل ساختاری فراهم ساخته است.

جدول ۳. نتایج تحلیل مسیر مدل ساختاری

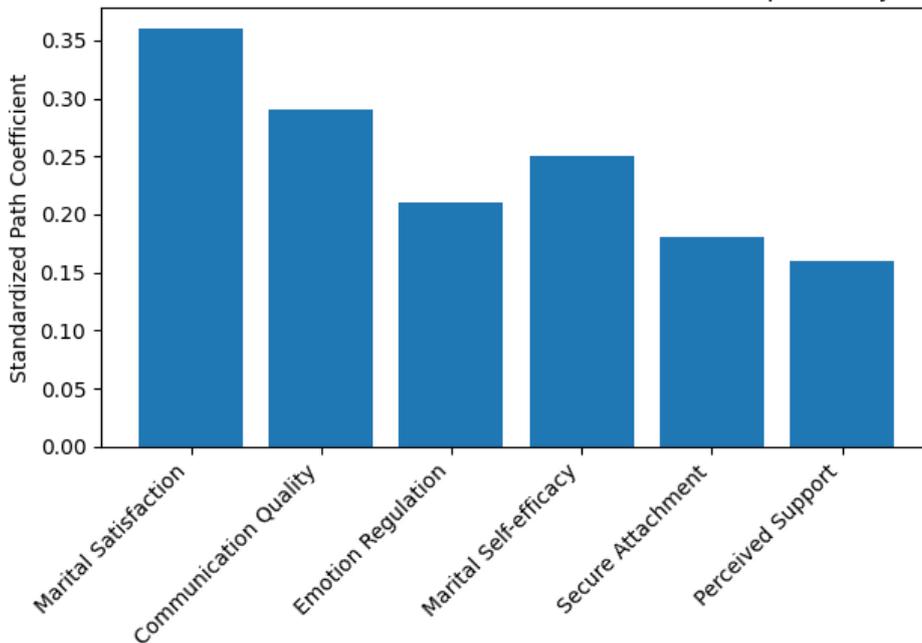
مسیر	ضریب استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
رضایت زناشویی → پایداری رابطه	۰.۳۶	۶.۸۴	۰.۰۰۱
کیفیت ارتباط → پایداری رابطه	۰.۲۹	۵.۹۷	۰.۰۰۱
تنظیم هیجان → پایداری رابطه	۰.۲۱	۴.۶۳	۰.۰۰۱
خودکارآمدی زناشویی → پایداری رابطه	۰.۲۵	۵.۴۱	۰.۰۰۱
دلبستگی ایمن → پایداری رابطه	۰.۱۸	۳.۹۲	۰.۰۰۱
حمایت ادراک‌شده → پایداری رابطه	۰.۱۶	۳.۵۸	۰.۰۰۱

بر اساس جدول ۳، همه مسیرهای پیش‌بینی‌کننده پایداری رابطه از نظر آماری معنادار بوده‌اند. رضایت زناشویی قوی‌ترین اثر مستقیم را بر پایداری رابطه نشان داده است، پس از آن کیفیت ارتباط و خودکارآمدی زناشویی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این نتایج حاکی از آن است که هم مؤلفه‌های عاطفی و هم مهارت‌های ارتباطی و شناختی زوجین به‌صورت همزمان در تبیین پایداری رابطه نقش اساسی ایفا می‌کنند.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل نهایی

شاخص برازش	مقدار به‌دست‌آمده	مقدار مطلوب
χ^2/df	۲.۴۱	< ۳
CFI	۰.۹۴	> ۰.۹۰
GFI	۰.۹۲	> ۰.۹۰
NFI	۰.۹۱	> ۰.۹۰
RMSEA	۰.۰۶۱	< ۰.۰۸

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، کلیه شاخص‌های برازش در محدوده مطلوب قرار دارند که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل پیشنهادی با داده‌های تجربی است. نسبت کای‌دو به درجه آزادی کمتر از ۳، شاخص‌های تطبیقی و نیکویی برازش بالاتر از ۰٫۹ و مقدار RMSEA کمتر از ۰٫۰۸ تأیید می‌کند که مدل تبیینی پژوهش از کفایت ساختاری و اعتبار تجربی مناسبی برخوردار است. این نتایج نشان می‌دهد که مجموعه سازه‌های روان‌شناختی مورد بررسی می‌توانند به‌طور معناداری پایداری رابطه زناشویی زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده را پیش‌بینی و تبیین نمایند.



شکل ۱. ضرایب مسیر استاندارد سازه‌های روان‌شناختی پیش‌بینی‌کننده پایداری رابطه زناشویی

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که پایداری رابطه زناشویی در زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده به‌طور معناداری تحت تأثیر مجموعه‌ای از سازه‌های روان‌شناختی شامل رضایت زناشویی، کیفیت ارتباط زوجین، خودکارآمدی زناشویی، تنظیم هیجان، دلبستگی ایمن و حمایت ادراک‌شده قرار دارد. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که رضایت زناشویی قوی‌ترین پیش‌بین مستقیم پایداری رابطه است؛ یافته‌ای که با پژوهش‌های متعدد پیشین همسو است که رضایت زناشویی را هسته مرکزی ثبات رابطه و پیش‌بینی‌کننده اصلی تداوم پیوند زناشویی معرفی کرده‌اند (Alizadeh et al., 2024; Bagheri et al., 2024; Gabriel et al., 2024). این همسویی نشان می‌دهد که حتی در سال‌های ابتدایی ازدواج، ادراک زوجین از کیفیت رابطه و میزان رضایت عاطفی آنان تعیین‌کننده مسیر بلندمدت رابطه است.

نقش معنادار کیفیت ارتباط زوجین در پیش‌بینی پایداری رابطه نیز با بدنه گسترده‌ای از پژوهش‌ها هم‌راستا است که ارتباط مؤثر را زیربنای اصلی شکل‌گیری اعتماد، صمیمیت و تعهد معرفی کرده‌اند (Nurfadliyah & Maryam, 2024; Siahaan & Wulan, 2024).

یافته‌های حاضر تأیید می‌کند که زوج‌هایی که از مهارت‌های ارتباطی بالاتر برخوردارند، توانایی بیشتری در حل تعارض، کاهش سوءتفاهم و حفظ انسجام هیجانی دارند. این نتیجه با مدل‌های پویای تعامل زوجین همخوانی دارد که نشان می‌دهد الگوهای ارتباطی اولیه در سال‌های نخست ازدواج به سرعت تثبیت شده و به صورت چرخه‌های بازخوردی مثبت یا منفی مسیر رابطه را تعیین می‌کنند (Fang et al., 2023; Takamido et al., 2023).

خودکارآمدی زناشویی نیز یکی از پیش‌بین‌های قوی پایداری رابطه در این مطالعه بود. این یافته با پژوهش‌هایی که نشان می‌دهند باور فرد نسبت به توانایی مدیریت مشکلات رابطه نقش محافظتی مهمی در برابر فرسایش هیجانی دارد همخوان است (Alizadeh et al., 2024; Lenhausen et al., 2020). خودکارآمدی زناشویی با افزایش حس کنترل، کاهش درماندگی و ارتقای انگیزش برای حفظ رابطه همراه است و در بافت زوج‌های تازه ازدواج کرده، می‌تواند نقش حیاتی در سازگاری اولیه با نقش‌های جدید ایفا کند (Losy & Sinitsaru, 2022; Olanrewaju & Emeka, 2019).

یافته‌های پژوهش همچنین اهمیت تنظیم هیجان را در پایداری رابطه برجسته ساخت. تنظیم هیجان با کاهش شدت واکنش‌های منفی، جلوگیری از تشدید تعارضات و تقویت همدلی زوجین، بستری روان‌شناختی برای ثبات رابطه فراهم می‌کند (Bagheri et al., 2024). این نتیجه با مطالعاتی که نشان می‌دهند نارسایی در تنظیم هیجان یکی از مهم‌ترین عوامل فرسایش رابطه و بروز نارضایتی مزمن است همخوانی دارد (Losy & Sinitsaru, 2022; Mukashema et al., 2019). در سال‌های نخست ازدواج که زوجین با فشارهای سازگاری متعددی مواجه‌اند، توانایی تنظیم هیجان می‌تواند نقش ضربه‌گیر روانی را ایفا کند.

نقش دلبستگی ایمن و حمایت ادراک‌شده نیز در یافته‌های حاضر معنادار بود. این نتایج با نظریه‌های دلبستگی و پژوهش‌های تجربی همسو است که دلبستگی ایمن را زیربنای احساس امنیت، اعتماد و پایداری هیجانی در روابط صمیمانه معرفی می‌کنند (Bijani et al., 2023; Nadezhina, 2024). حمایت ادراک‌شده نیز به‌عنوان منبع روانی حیاتی، توان مقابله زوجین با استرس‌های بیرونی و فشارهای اقتصادی و اجتماعی را افزایش می‌دهد؛ عاملی که در بافت شهری و پیچیده تهران از اهمیت دوچندان برخوردار است (Akmad & Abatayo, 2024; LeBaron-Black et al., 2024).

مدل ساختاری پژوهش حاضر نشان داد که پایداری رابطه حاصل تعامل همزمان سازه‌های هیجانی، شناختی و رفتاری است و این نتیجه با رویکردهای سیستم‌های پویا و مدل‌های غیرخطی روابط انسانی همخوانی دارد (Fang et al., 2023; Kafraj et al., 2022). روابط زوجین به‌مثابه یک سامانه پویا عمل می‌کند که تغییر در هر مؤلفه می‌تواند کل سامانه را در مسیر پایداری یا فرسایش هدایت کند. یافته‌های این پژوهش با دیدگاه‌های معاصر که رابطه زناشویی را محصول شبکه‌ای از تعاملات متقابل می‌دانند همسو است (Kunitsina & Yumkina, 2023; Takamido et al., 2023).

نتایج حاضر همچنین نشان می‌دهد که پایداری رابطه در زوج‌های تازه ازدواج کرده نه تنها متأثر از ویژگی‌های فردی بلکه تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای و فرهنگی نیز قرار دارد. نقش ساختار قدرت و مدیریت منابع درون خانواده، به‌ویژه در شرایط فشار اقتصادی، به‌عنوان عامل مؤثر در

ثبات رابطه در پژوهش‌های اخیر برجسته شده است (Boulis & Torgler, 2023; LeBaron-Black et al., 2024). این یافته‌ها با نتایج پژوهش حاضر که اهمیت حمایت ادراک‌شده و خودکارآمدی زناشویی را نشان داد هم‌راستا است.

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر تأیید می‌کند که پایداری رابطه در زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده حاصل هم‌افزایی چندین سازه روان‌شناختی است و هیچ عامل واحدی به‌تنهایی قادر به تبیین این پدیده پیچیده نیست. این الگوی چندبعدی با پژوهش‌های بین‌فرهنگی همسو است که نشان داده‌اند مسیرهای شکل‌گیری ثبات رابطه در فرهنگ‌های مختلف شباهت‌های بنیادین دارد، هرچند شدت و وزن عوامل ممکن است متفاوت باشد (Gabriel et al., 2024; Mukashema et al., 2019; Szukalski, 2021).

یکی از محدودیت‌های اصلی این پژوهش استفاده از روش مقطعی بود که امکان استنتاج روابط علی بلندمدت را محدود می‌کند. علاوه بر این، استفاده از ابزارهای خودگزارشی ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی و تمایل به ارائه تصویر مطلوب از رابطه قرار گرفته باشد. تمرکز نمونه بر زوج‌های ساکن شهر تهران نیز تعمیم‌پذیری نتایج به سایر مناطق جغرافیایی و فرهنگی کشور را محدود می‌کند.

پژوهش‌های آینده می‌توانند با طراحی مطالعات طولی، مسیر تحول پایداری رابطه را از سال‌های ابتدایی ازدواج تا مراحل بعدی زندگی مشترک بررسی نمایند. همچنین بررسی نقش متغیرهای فرهنگی، اقتصادی و بین‌نسلی به‌صورت هم‌زمان با سازه‌های روان‌شناختی می‌تواند به غنای مدل‌های تبیینی کمک کند. استفاده از روش‌های کیفی و ترکیبی نیز می‌تواند ابعاد عمیق‌تری از تجربه زیسته زوجین را آشکار سازد.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند مبنای طراحی برنامه‌های مداخله‌ای پیش از ازدواج و اوایل ازدواج با تمرکز بر تقویت مهارت‌های ارتباطی، تنظیم هیجان و خودکارآمدی زناشویی قرار گیرد. همچنین مراکز مشاوره خانواده می‌توانند با شناسایی زودهنگام الگوهای ارتباطی ناکارآمد، از فرسایش تدریجی رابطه جلوگیری کنند. توسعه بسته‌های آموزشی مبتنی بر شواهد برای زوج‌های جوان می‌تواند به ارتقای سلامت روان خانواده و افزایش پایداری ازدواج در سطح جامعه کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Marital stability represents one of the most critical foundations of psychological well-being, family functioning, and social cohesion. Contemporary research emphasizes that relationship stability is not merely the legal continuation of marriage but a multidimensional psychological construct encompassing emotional security, relational commitment, mutual satisfaction, and long-term adaptability. Cross-cultural studies consistently demonstrate that the early years of marriage constitute the most sensitive developmental period for the formation of enduring relational patterns, with early experiences exerting long-lasting effects on future marital quality and stability (Gabriel et al., 2024; Losy & Sinitsaru, 2022; Olanrewaju & Emeka, 2019). Failures in emotional regulation, communication, and mutual adjustment during this stage substantially increase vulnerability to later relational erosion and emotional divorce (Mukashema et al., 2019; Szukalski, 2021).

Recent theoretical and empirical advances conceptualize relationship stability as a dynamic system produced by the continuous interaction of emotional, cognitive, behavioral, and contextual processes. Emotional regulation has emerged as a core stabilizing mechanism that buffers conflict escalation and promotes constructive interaction (Bagheri et al., 2024). Likewise, marital satisfaction is widely recognized as the central experiential indicator of relational stability and long-term commitment (Alizadeh et al., 2024; Gabriel et al., 2024). Communication quality plays a foundational role in facilitating mutual understanding, conflict resolution, and emotional intimacy, thereby reinforcing relational commitment and stability (Nurfadliyah & Maryam, 2024; Siahaan & Wulan, 2024). These relational processes are further embedded within deeper psychological structures such as attachment security and interpersonal trust, which provide the emotional scaffolding for sustained intimacy and cooperation (Bijani et al., 2023; Nadezhina, 2024).

Emerging perspectives from systems theory and nonlinear dynamics highlight that marital relationships function as complex adaptive systems in which small variations in emotional or interactional processes may generate profound long-term effects on relationship trajectories (Fang et al., 2023; Kafraj et al., 2022). Within this framework, marital self-efficacy—the belief in one’s capacity to manage marital challenges—serves as a critical cognitive regulator that sustains motivation, persistence, and problem-solving during periods of relational strain (Alizadeh et al., 2024; Lenhausen et al., 2020). Simultaneously, perceived support operates as a contextual resource that enhances couples’ resilience against external stressors such as financial pressures and social demands (Boulis & Torgler, 2023; LeBaron-Black et al., 2024).

Despite the rapid growth of international research on marital stability, comprehensive empirical models focusing on newly married couples within Middle Eastern urban contexts remain limited. Tehran, as a megacity undergoing profound socioeconomic and cultural transformation, provides a particularly relevant setting for examining how contemporary couples navigate early marital adaptation under modern stressors (Akmad & Abatayo, 2024; Jeon, 2020; Kunitsina & Yumkina, 2023). Accordingly, the present study seeks to construct and test an integrative psychological model of relationship stability among newly married couples in Tehran.

Methods and Materials

This descriptive–correlational study employed a structural equation modeling framework. The population consisted of newly married couples residing in Tehran, with marriage duration between six months and five years. A total of 380 couples (760 individuals) were recruited through convenience sampling from family counseling centers and marriage support clinics. Inclusion criteria were mutual consent, residence in Tehran, and absence of severe psychiatric diagnosis.

Data collection instruments assessed relationship stability, marital satisfaction, communication quality, emotion regulation, marital self-efficacy, secure attachment, perceived support, and relevant demographic variables. Data were gathered through supervised self-report questionnaires in controlled counseling environments. Reliability and validity indices were confirmed prior to analysis.

Statistical analyses were conducted using confirmatory factor analysis followed by structural equation modeling. Model fit was evaluated using multiple indices including χ^2/df , CFI, GFI, NFI, and RMSEA.

Findings

Descriptive results indicated moderate to high levels of relationship stability and psychological functioning among participants. Correlation analysis demonstrated significant positive associations between relationship stability and all examined psychological constructs.

Structural equation modeling revealed that marital satisfaction exerted the strongest direct effect on relationship stability, followed by communication quality and marital self-efficacy. Emotion regulation, secure attachment, and perceived support also displayed significant positive predictive effects. All structural paths were statistically significant at $p < 0.001$. Model fit indices indicated satisfactory fit to the data ($\chi^2/df = 2.41$, CFI = 0.94, GFI = 0.92, NFI = 0.91, RMSEA = 0.061).

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that relationship stability among newly married couples emerges from a complex interplay of emotional, cognitive, relational, and contextual mechanisms. The dominant role of marital satisfaction underscores its central function as the experiential core of marital well-being. Communication quality and marital self-efficacy provide critical behavioral and cognitive pathways through which couples navigate early marital challenges. Emotion regulation and attachment security operate as stabilizing emotional infrastructures, while perceived support enhances couples' adaptive capacity under external pressures.

These results suggest that early marriage constitutes a highly malleable developmental phase in which targeted psychological interventions may produce durable benefits. Multidimensional couple-based interventions focusing on emotional regulation, communication enhancement, and self-efficacy strengthening appear particularly promising for promoting long-term relationship stability.

The present model offers a comprehensive empirical framework for understanding marital stability in contemporary urban contexts and provides actionable guidance for prevention and intervention programs in marital counseling services.

References

- Akmal, A., & Abatayo, A. V. L. (2024). Couples Under One Roof: A Quantitative Analysis on Cohabitation and Relationship Dynamics. *J. Arts Humanit. Soc. Sci.*, 1(3), 38-44. <https://doi.org/10.69739/jahss.v1i3.162>
- Alizadeh, Z., Dokaneifard, F., & Andabil, A. F. (2024). Model Fit Determination of Marital Satisfaction Based on Self-Differentiation, Critical Thinking, and Emotional Self-Regulation Mediated by the Feeling of Happiness in Married Women. *Aftj*, 5(4), 183-193. <https://doi.org/10.61838/kman.aftj.5.4.21>
- Bagheri, R., Bakhshayesh, A., & Mahmoodabadi, H. Z. (2024). Predicting Family Stability Based on Emotion Regulation and Sexual Self-Efficacy: The Mediating Role of Marital Intimacy. *Journal of Social Behavior and Community Health*. <https://doi.org/10.18502/jsbch.v8i2.16982>
- Bahtiar, H., Machmoed, H. A., & Sahib, H. (2023). Love Language Expressions Among Newlyweds and Long-Married Couples: Interpersonal Communication's Perspective. *Jurnal Onoma Pendidikan Bahasa Dan Sastra*, 9(2), 1642-1653. <https://doi.org/10.30605/onoma.v9i2.3183>
- Bijani, J., Hashemi, N., & Shamir, A. S. (2023). Determining the Contribution of Attachment Styles and Coping Styles in Predicting the Instability of Married Life With the Mediating Role of Resilience in Conflicted Couples. *Jayps*, 4(3), 47-54. <https://doi.org/10.61838/kman.jayps.4.3.5>
- Boulis, C., & Torgler, B. (2023). Religion as a Determinant of Relationship Stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 63(2), 281-306. <https://doi.org/10.1111/jssr.12896>
- Fang, X., Chen, Z., Tong, W., Gao, C., Zhang, H., & Li, Q. (2023). Development and Psychometric Properties of the Couple Interaction Pattern Scale. *Journal of marital and family therapy*, 50(1), 175-201. <https://doi.org/10.1111/jmft.12679>
- Gabriel, K. A., Mutisya, S., & Egunjobi, J. P. (2024). The Levels of Marital Stability Among Married Couples in Selected Parishes in the Catholic Archdiocese of Nairobi, Kenya. *Eas Journal of Psychology and Behavioral Sciences*, 6(02), 34-42. <https://doi.org/10.36349/easjpbs.2024.v06i02.004>
- Jeon, S. (2020). Influence of Subsystem Between Parent-in-Law and Children-in-Law on Marital Adjustment in Marital Subsystem. *Family and Environment Research*, 58(3), 417-428. <https://doi.org/10.6115/fer.2020.030>
- Kafraj, M. S., Nazarimehr, F., Ghosh, D., Rajagopal, K., Jafari, S., & Sprott, J. C. (2022). Effects of Amplitude, Maximal Lyapunov Exponent, and Kaplan–Yorke Dimension of Dynamical Oscillators on Master Stability Function. *International Journal of Bifurcation and Chaos*, 32(05). <https://doi.org/10.1142/s0218127422500675>
- Kunitsina, V. N., & Yumkina, E. A. (2023). Socio-Psychological Content of Family Hospitality. *Uchenye Zapiski St Petersburg University of Management Technologies and Economics*(4), 318-332. <https://doi.org/10.35854/2541-8106-2022-4-318-332>
- Latifa, R. (2019). Komitmen Beragama Islam Memprediksi Stabilitas Pernikahan. *Tazkiya Journal of Psychology*, 3(1). <https://doi.org/10.15408/tazkiya.v20i1.9191>
- LeBaron-Black, A. B., Dew, J., Wilmarth, M. J., Holmes, E. K., Serido, J., Yorgason, J. B., & James, S. (2024). Pennies and Power: Finances, Relational Power, and Marital Outcomes. *Family Relations*, 73(3), 1686-1705. <https://doi.org/10.1111/fare.12989>
- Lenhausen, M. R., Scheppingen, M. A. v., & Bleidorn, W. (2020). Self–other Agreement in Personality Development in Romantic Couples. *European Journal of Personality*, 35(6), 797-813. <https://doi.org/10.1177/0890207020969011>
- Losy, E., & Sinitsaru, L. (2022). Features of Interpersonal Relationships and Emotional Experiences in Married Couples Depending on the Length of Family Life. *Вісник* 4(142), Pages 129-139. <https://doi.org/10.25730/vsu.7606.21.056>
- Mukashema, I., Hahirwa, J. G., & Hakizamungu, A. (2019). Psychosocial Factors of Marriage Stability and Longevity in Traditional Rwanda. *People International Journal of Social Sciences*, 5(2), 269-284. <https://doi.org/10.20319/pijss.2019.52.269284>
- Nadezhina, N. N. (2024). Interpersonal Trust in a Couple as a Sociocultural Value. *Vestnik Majkopskogo Gosudarstvennogo Tehnologiceskogo Universiteta*(3), 121-130. <https://doi.org/10.47370/2078-1024-2024-16-3-121-130>
- Nurfadliyah, N., & Maryam, S. (2024). The Influence of Interpersonal Communication Skills on Marital Stability. *Ekspres Dan Persepsi Jurnal Ilmu Komunikasi*, 7(3), 635-648. <https://doi.org/10.33822/jep.v7i3.8955>
- Olanrewaju, D. M. K., & Emeka, U. G. (2019). Marital Dissatisfaction Among Newly Married Teachers. *Matters of Behaviour*, 7(8), 6-12. <https://doi.org/10.26455/mob.v7i8.31>
- Siahaan, L. I., & Wulan, R. R. (2024). The Influence of Interpersonal Communication on Relational Commitment in Young Married Couples in Indonesia. *Advances in Social Sciences Research Journal*, 11(9), 111-121. <https://doi.org/10.14738/assrj.119.17410>
- Szukalski, P. (2021). Remarriages in Contemporary Poland. A Demographic Sketch. *Polityka Społeczna*, 568(7), 5-12. <https://doi.org/10.5604/01.3001.0015.3191>
- Takamido, R., Yokoyama, K., Nakamoto, H., Ota, J., & Yamamoto, Y. (2023). Interpersonal Coordination Analysis in Bat-and-Ball Sports Under a Real Game Situation: Asymmetric Interaction and Delayed Coupling. *PLoS One*, 18(11), e0290855. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0290855>
- Xu, F., Ma, K., Zhou, Y., Zhang, S., Song, J., Fan, B., & Jiang, Q. (2024). Design and Control Method of a Coupled Loading–Damping Mechanism of Cable-Detecting Robots for Large Bridges. *Journal of Field Robotics*, 42(5), 2005-2027. <https://doi.org/10.1002/rob.22493>